

بررسی اقتصاد با کلیشه ای از تولید ملی

کبری رحیمی^۱، سعدالله رحیمی^۲

^۱ کارشناس ارشد مطالعات زنان

^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، کرمان

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

کبری رحیمی

C7422623@yahoo.com

چکیده

تحقیق نشان می دهد، فقر و تهیدستی، بدترین و ویرانگرترین شوند (علت) فروپاشی منش (اخلاق) و گسترش ناهنجاری است، حمایت از تولید ملی مبنای پیشرفت اقتصاد یک جامعه محسوب می شود. کالاهای تولیدی یک کشور به وسیله مردم در همان اقتصاد، طالب و خواستار پیدا نکند و پشتیبانی نشود آن اقتصاد رونق نخواهد گرفت. مطالعات نشان می دهد، نهادینه شدن حمایت از تولید ملی خانواده ها نیازمند برنامه ریزی دقیق است، که همه آن بر بنیان فرهنگ سازی خانواده برمی گردد. بهره مندی از امکانات و دست یافته ها کاری است که نظام برنامه ریزی، اساس کار آموزش قرار می دهد. مصرف بهینه رکن مهمی برابر تجملگرایی و اثرات سوء مصرف وارداتی است. سالم سازی فضای اقتصادی و فراهم نمودن زمینه تولیدات داخلی و زدودن موانع، جلوگیری از اقتصاد آلوده به فساد، ربا، رشوه، کم فروشی، گران فروشی و بخل و بیعدالتی در دریافت ها و پرداخت ها، مهار واردات بی رویه کالاها، از ارکان رشد اقتصاد مقاومتی است. تحقیق با روش پژوهشی تحلیلی، با گونه ای کاربردی توصیفی انجام شد. نتیجه اینکه، ارزش گذاری به کار تولیدگران و کارآفرینان و حمایت از مصرف کنندگان منجر به توسعه اقتصاد مقاومتی ملتی خواهد شد که پایه استقلال اقتصادی را شالوده برنامه ریزی کوتاه مدت و بلند مدت خویش قرار می دهند.

واژگان کلیدی: اقتصاد، زن، تولید ملی

مقدمه

موضوع اقتصادملی، تدبیری هوشمندانه و مفهومی برای مقاوم سازی، بحران زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود در اقتصاد که با کاهش وابستگی ها و تأکید بر مزیت های تولید داخلی و تلاش برای خودکفایی زمینه توسعه و پیشرفت را مهیا می سازد. « اقتصاد مقاومتی، تشخیص حوزه های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و در پی آن تلاش برای کنترل و بی اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت می باشد. برای رسیدن به این هدف، باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی، کاهش وابستگی ها و تأکید بر مزیت های تولید و تلاش برای خودکفایی می باشد(قادری، ۱۳۹۱) اغلب رویکردها براین است که خانواده در جامعه به عنوان اولین و مهم ترین نهاد اجتماعی در تربیت و پرورش منابع انسانی باید تقویت شود تا زمینه توسعه اقتصادی در کشور فراهم گردد. زنان در خانواده به عنوان عاملان پرورش و رشد نیروی کار می توانند در جریان بهره وری و تولید ملی سهم بسزایی داشته باشند. به عنوان مثال: تأمین لوازم و نیازهای خانه و استفاده صحیح از آنها نیاز به برنامه ریزی صحیح دارد که زنان می توانند شرایطی را فراهم سازند تا با کمترین هزینه و بالاترین مطلوبیت نیازهای خانه و افراد خانواده تأمین شود. در مواقع کمبود با حذف برخی امکانات، جایگزین مناسبی را انتخاب نمایند بدون آنکه در مطلوبیت آن تغییری ایجاد شود. پس اگر مدیریت اقتصادی خانواده یکی از وظایف زنان محسوب شود، در این زمینه فرهنگ سازی مطلوب و نهادینه کردن مجموعه ای از ارزش ها و معیارهای فرهنگی متناسب با نقش زنان در ارکان اقتصاد ملی جامعه امری ضروری و اجتناب ناپذیر خواهد بود. هنجارهای همگانی مردم ایران زمین. فرهنگ هر ملت و هر مردمی از دو بخش پدید آمده است: نخست برابر با ارزش و دوم برابر با هنجار. ارزش به آن گزینه های فرهنگی گفته می شود که مردم به آن باور دارند، آنها را قدر می نهند و بزرگ می دارند. بسیاری از ارزش ها جهانی هستند. مانند: راستی، درستی، پارسایی، پاکدامنی، خداپرستی. هنجار به رفتارهای همگانی مردم گفته می شود که مردم در برآیند گذر و گذار روزگار به آن عادت کرده اند. این هنجارها دو گونه هستند، یا همسان و هماهنگ ارزش ها هستند و یا در پاد (ضد) ارزش ها هستند. مردمی خوشبخت و بزرگ هستند که هنجارهای آنان برپایه و همسو با ارزش های پذیرفته شده انسانی باشد.

هر گاه دولتی، هر سال و هر ماه و هر روز بیش از پیش بر نقدینگی بازار، بر بی ارزشی پول ملی، بر بها و ارزش پول بیگانگان و ارزش ارزهای بیگانه افزایش؛ بی گمان مردمی که زیر زمامداری آن دولت زندگی می کنند، دست به گریبان تهیدستی و بیچارگی، به ناچار به نا به هنجاری و رفتارهای بیرون از منش روی خواهند آورد. پس نا خودآگاه نه زندگی که بندگی می کنند. ایران دارای فرهنگی با پیشینه بسیار پر بار است. تا کنون هیچ فرهنگی نتوانسته است این فرهنگ کهن تبار و زیبا نگار را نابود کند و یا بر زمین زند. ایران از نگاه جغرافیایی دارای دو ویژگی است. نزدیک به همه گونه های آب و هوایی در کشور پهناور ایران یافت می شود. این ویژگی می تواند اقتصاد بسیار توانمندی را پدید و به دید آورد. همچنین، ایران در قلب و میانه جهان قرار گرفته و چهار راه میانی جهان است. این دو ویژگی جغرافیایی بسیاری از کشورهای جهان را نیازمند همکاری ایرانیان می کند. ایران، کشور پرورش مغزهای پرهوش و جوش است. این مغزهای بی مانند ریشه در تبار آریایی دارند. یا پارس هستند. یا پارت هستند و یا ماد. ایران دارای انبارهای (ذخایر) زیر زمینی و بسیار گسترده و گران بهای طلا، مس، گاز، نفت، فولاد و غیره است. ایران از نگاه انگیزه های گردشگری، یکی از بهترین و توانمند ترین کشورهای جهان است. از این نگاه در شمار ده کشور برتر جهان است. همه این ها توانسته و می تواند از ایران، پر توان ترین امپراتوری جهان را پدید آورد.

اساسی ترین ارکان اقتصاد مقاومتی

پایداری در توسعه و رشد همه جانبه ارکان اقتصاد ملی، حمایت از تولید ملی در ابعاد داخلی و بین المللی، اجرای سیاست های اصولی و مدون در قانون اساسی، توجه به نخبگان و استفاده از فناوری نوین، محقق شدن تلاش در جهاد اقتصادی، کارآمد نمودن طرح های زود بازده، اقتصاد در معنا و مفهومی از کارآفرینی، اشتغال زایی در راستای حمایت از مشاغل خانگی. باز خوانی نوع مصرف خانوارها با توجه به فرهنگ بهینه نسل های پیش در زمان کنونی می تواند در داشتن اقتصادی مقاوم و فراتر از مقاومتی کردن اقتصاد مثمر ثمر باشد.

سهم مردمی در کارآمدی اقتصاد

در بحث اقتصاد مقاومتی، ارکان اساسی و عمومی مهمی به مردم و سهم آنان اختصاص دارد. تقویت فرهنگ جدیت و نوآوری در کار و تلاش، اصلاح الگوی مصرف و پرهیز از اسراف، تلاش برای تولید بیشتر و بهتر، حذف واسطه های نابجا، تقویت بنیان های الگو دهی و الگو پذیری عادلانه؛ همه در جهت کسب رضایت مردم جامعه ای است که خواهان استقلال در اندیشه و توان خود هستند، که در نهایت به سلامت و رفاه عمومی می انجامد در یاری برنامه ریزان کشوری و ملی است. در فرهنگ اسلامی کار به عنوان یک ارزش تلقی می شود. اسلام، مردم را برای برطرف کردن نیازهای زندگی، به کار و کوشش امر کرده است. زن در خانواده با تربیت درست و مناسب می تواند خانواده ای را سامان بخشد و به جامعه تحویل دهد که دغدغه کار داشته باشند و نسبت به فرهنگ جدیت در کار و تلاش نگاه مثبت و ارزشمند داشته باشند. استفاده بهینه از کالا و خدمات در سبب اقتصاد و ابداع و خلاقیت و به نوعی بازیافت از این وجودیت و هدفمند کردن مصرف در کارآمدی اقتصاد خانوار زیر بنایی ترین شکل از سهم مردمی است.

خط مقدم اقتصاد مقاومتی

خط مقدم اقتصاد پایدار، زن است چرا که مردان همواره در تلاش هستند تا نیازها و خواسته های خانواده را محقق کنند، بنابراین اگر بانوی خانه با تغییر نگرش و ذائقه خانواده بتواند مدیریت اقتصادی سالمی را پیاده کند بقیه اعضای خانواده هم به تبع آن مدیریت می شود. «امام خمینی (ره) اقتصاد را به عنوان یک ابزار به حساب می آورند و در ارتباط با نقش تربیتی و اقتصادی بانوان به اشتغال بانوان در کنار آقایان تأکید داشتند و فرمودند: «ما مفتخریم که بانوان و زنان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند.» (سعادت، ۱۳۹۱) اشتغال زنان در جریان توسعه، امری گریزناپذیر و در مواردی با شدت یافتن نیازهای فرد و جامعه ضروری است. در پی ضرورت وجود برخی مشاغل خدماتی ویژه بانوان و همچنین گسترش مشاغل خانگی و مسأله کارآفرینی زنان در سالهای اخیر زمینه ورود جدی آنان در فعالیت های اقتصادی در جامعه فراهم شده است که این امر به نوبه خود باعث اشتغال زایی و افزایش درآمد ملی می شود.

موانع موجود از طریق همدلی و همزبانی دولت ها و نهادهای مذکور رفع شود از جمله این چالش های موجود در سر راه تحقق این مهم در ابتدا باید به در نظر گرفتن شرایط زنان در محیط های شغلی توجه کرد؛ به بیانی بهتر با در نظر گرفتن موضوع هایی مانند فرزندآوری و نگهداری از کودک شرایط شغلی را برای آنها تسهیل نمود که البته افزایش مرخصی زایمان از جمله این مواردی است که در ادارات دولتی تا حدودی مورد توجه و عنایت قرار گرفت اما کافی نیست؛ بعلاوه این توجه به جمعیتی از زنان ضعیف از سوی دولت در جهت هدایت آنها برای کارآفرینی خود می تواند بسیاری از مشکلاتی فردی و اجتماعی این قشر را ساماندهی کند. در کنار شرایط لازم تحصیلی و تجربه آموزی نیز می بایست به شکلی زیرساختی آماده شود تا زنانی که وارد چرخه تولید می شوند گرفتار معضل تلخ بهره کشی نشوند و علاوه بر آن به نوعی در قبال انجام فعالیت اقتصادی نوعی مصونیت شغلی و امنیت تجاری را احساس کنند. دادن انگیزه تا

هرچه بیشتر در حوزه کسب و کارهای خانگی و کوچک به فعالیت بپردازند تا اقتصاد مقاومتی فراتر از یک شعار محقق شود. بسته اقتصاد مقاومتی ویژه زنان شامل موارد حمایتی، آموزشی و ترویجی می شود و به حوزه هایی مانند حمایت از تولیدات زنان، مشاغل خانگی، صنایع دستی، اصلاح الگوی مصرف، آموزش و ترویج مصرف متناسب با اقتضائات اقتصاد مقاومتی می پردازد.

اصلاح الگوی اقتصاد در گرو اراده زنان

هم اکنون در مهمانی ها یا مصارف روزانه خانواده ها شاهد اسراف بسیاری هستند که کم کم به فرهنگ بدل شده است، در این رابطه باید دقت و تغییر شود. مایحناج روز مره زندگی (نان، میوه) و مواد غذایی باید به مقدار مورد نیاز خریداری و به شیوه صحیح نگهداری شود در زمینه مصرف می توان به چند نمونه استناد کرد: « جایگزین کردن تولیدات داخلی به جای محصولات خارجی. زنان به عنوان مهم ترین افراد متقاضی تأمین کالای خانگی مطرح هستند که لازم است به مصرف کالاهای ایرانی روی آورند؛ که این مهم، باید، البته در صورت بالا بردن کیفیت کالاها توسط تولیدکنندگان، انجام شود که در آن صورت، به طور قطع رونق تولید بوجود خواهد آمد؛ همچنین، نهادینه شدن فرهنگ قناعت در بین خانواده هاست. امام علی(ع) می فرماید: خوش ترین زندگی، زندگی با قناعت است.» (طنین اندیشه، ش ۱۲، بهار ۱۳۹۰) نحوه اداره زندگی، نوع و میزان خرید، باید مدنظر قرار بگیرد. کسانی که می توانند در نوع خرید و نوع نگهداری کالاها نقشی را در خانواده ایفا بکنند زنان تاثیرگذار هستند.

از آن جایی که زنان نیمی از پیکره جامعه هستند و تاثیرگذار روی نیمه دیگر جامعه، در فرهنگ سازی تقاضاها، مطالبات، کنترل و هدایت آن چه که به دست می آید به فرهنگ خانواده ها بستگی دارد. تنظیم هزینه های رایج برای نمونه مهد کودکان یا ایاب و ذهاب، بالا بردن کیفیت اداره امور و اوقات است. با تغییری که در شیوه انجام سفر ایجاد می کند و با تدابیری مانند اقامت در اماکن ارزاتر یا طبخ چند وعده غذا و رفتن یک بار به رستوران هزینه را مدیریت کرده است. با ایجاد فضایی شاد خانواده را راضی نگه دارد. توجه به ساعات پیک مصرف، تربیت فرزندان فرهنگی مدار. البته، راه های مقابله با نوع مصرف را نباید با رهبانیت اشتباه نمود و مقاومت در برابر فرهنگ های نادرست و سنتی و اقتصاد مقاومتی مقوله هایی متفاوت دارند. بنابر این باید روی تقاضاها برنامه ریزی بیشتری را داشت.

استفاده درست و منطقی از مواهب درجهت پایداری توسعه همه جانبه کشور همراه با تلاشی مجدانه برای بهبود شاخص های زندگی برای نسل امروز و فردای جامعه از ضروریات است. از همه مهمتر تربیت فکری، روحی، عاطفی و نقش آفرینی ها به دست بانوان به عنوان مولد و تولید کننده اجتماعی سپرده شده است. مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی نه تنها باعث شناخت ظرفیت ها و توانایی های آنان می شود، بلکه در توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه هم نقش کلیدی دارد. تنوع تولید، بهره وری اقتصادی در تدوین و ترتیب زمینه های مشاغل خانگی به عنوان کوچکترین نهاد مدنی مهم است. این نوع خاص از تولیدات توسط زنان و مردان دارای قدمتی دیرینه است که علاوه بر در آمدزایی، در ابعاد روحی و روانی و نوع تربیت و محافظت از فرزندان و اداره زندگی تاثیر انکارناپذیری دارد. کارآفرینی و مشاغل کارآفرینی رابطه ای تنگاتنگ دارند. استقبال در محیط خانواده ها و فرهنگ سازی مبتنی بر ساده زیستی شود، بنابراین نوع فرهنگ مردم شهر، نگاه حاکمان و متولیان امور فرهنگی سبب می شود که این ها جایگاه خودشان را داشته باشند و یا خود را کمتر ببینند. زمانی خانواده ها در تولید و عرضه کالا و خدمات خود فعال می شوند که تقاضا برای آن وجود داشته باشد. اگر بتوان تقاضاها را توسط فرهنگ سازی کنترل کرد مطمئن عرض ها به اندازه، به جا و به موقع است، اگر تبلیغات هم وجود داشته باشد. زمانی با وقوع تحولات صنعتی، ماشین ها جای زنان را گرفتند؛ یعنی حجم تولید بالا رفت، همه چیز صنعتی شد و تولید خانگی از بین رفت و تولید صنعتی جایگزین آن شد. جایگزین شدن تولید صنعتی سبب

حضور مردان به عنوان اپراتورهای کارخانه ها و صنایع شد و همین امر باعث گردید که زنان نتوانند در عرصه اقتصاد خودشان را به آن معنا نشان دهند و این روند ادامه پیدا کرد تا به آنچه که امروز دیده می شود، رسید. یکی از اصلی ترین ابزارها بهبود فضای کسب و کار برای زنان است؛ یعنی به عنوان دولت به جای اینکه ایجاد شغل کنند، باید فضای کسب و کار را مدیریت نمایند. بایستی آموزش داد خانواده ها بازاریابی رقابتی و سهم گر کسب کنند و در زمان رونق تا حد ممکن سرمایه جمع کنند و پس از آن تولید خود را در جهت رشد سریع و جدید بازارها تغییر مسیر دهند.

بهره وری اقتصادی

نهادینه کردن فرهنگ تعمیر به جای تغییر از ارکان روند توسعه فکری خانواده ها در نوع مصرف است. در اثر گذر چرخ صنعتی، وضعیت فعلی خانواده ها به شیوه ای تغییر یافته که به محض ایجاد کوچک ترین خللی در وسایل منزل باید سریع جایگزین شود در صورتی که می توان با هزینه کمتر آن را تعمیر و دوباره به کار برد. استفاده حداکثری از همه ظرفیت ها، روح خودباوری و خودکفایی، مردمی کردن اقتصاد، و این بدین معناست که برای یک اقتصاد رو به رشد باید از همه ظرفیت های دولتی و خصوصی، اندیشه ها و راهکارهایی که صاحب نظران ارائه می دهند و سرمایه های طبیعی که در کشور وجود دارند کمال استفاده را کرد. در کشور ظرفیت های فراوانی برای تولید و اشتغال وجود دارد که برای تحقق اقتصاد مقاومتی باید از همه آنها به نحو مطلوب استفاده کرد. باید به این نکته توجه کرد که کشوری که به دنبال توسعه است نباید از توانایی های نیمی از نیروی انسانی خود چشم پوشی کند. خودباوری و خودکفایی یک اصل است که با تقویت آن و شناخت ظرفیت های ناشناخته می شود به سمت توسعه گام برداشت. آمارهای رسمی منتشر شده در سالهای اخیر از حضور چشمگیر زنان و دختران در عرصه های اجتماعی و دانشگاهی خبر می دهند که این امر به نوبه خود باعث افزایش نیروی کار زنان در جامعه شده است. تجربه ثابت کرده است که زنان در کنار انجام مسئولیت های خانه و امور خانواده با یک برنامه ریزی اصولی قادر هستند در فعالیت های خارج از خانه نیز موفق عمل نمایند که این حاکی از رشد روحیه خودباوری در میان زنان جامعه است. و درک عمیقی از مشکلات و راهکارها در رابطه با نحوه درست مصرف کردن سبب می شود آگاهی بیشتر شود و درک اقتصادی بیشتر حساس تر شود. بنا براین در هر عرصه همه دارای وظایف و مسؤولیتهایی هستند که می تواند اقتصاد خانواده و جامعه را تعالی بخشد. اکنون که وضعیت اقتصادی جامعه دچار تغییراتی شده و لزوم تغییر این شرایط به جامعه آشکار شده است، لازم است بانوان مواردی در جهت اصلاح الگوی مصرف را مدنظر قرار دهند تا ضمن رضایتمندی اعضای خانواده اهداف اقتصاد مقاومتی هم محقق شود. برای نمونه، تعمیر را جایگزین تغییر کنند. در حقیقت نمایان گر این واقعیت است که زن ایرانی می تواند به خودی خود مولد سرمایه برای خانه و سپس جامعه باشد البته نباید فراموش کرد که نهادهای حمایتی دولتی و مانند آن نیز می بایست زنان کارآفرین را در میدان اقتصاد تنها نگذارند تا از این طریق مفهوم مردمی بودن و تعامل افراد جامعه در اقتصاد مقاومتی به بهترین شکل محقق شود.

راهکارهای در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی

نقطه شروع اقتصاد مقاومتی، سیاستگذاری برای اصلاح و بهبود مصرف است. از آنجا که مصرف، تولید را جهت می دهد و این دو در کنار هم، جهت سرمایه گذاری را مشخص می کنند. رونق تولید داخلی و کاستن از وارداتی که می تواند به افول و کم رونقی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج، ارتقای تکنولوژی در سطح کلان تر شکل می گیرد البته باید به گونه ای عمل کرد که اقتصاد مقاومتی به معنای تحمیل فشار نباشد. افزایش بهره وری در تولید، کاهش قیمت تمام شده تولیدات، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولیدات خارجی و کاهش

واردات، حمایت از تولید ملی به ویژه تولیدات استراتژیک مدیریت و تنظیم واردات برای به حداقل رساندن نیاز کشور به ارز و حمایت از تولیدات داخل، هدایت سیل نقدینگی موجود به سمت اقتصاد مولد و حذف ریشه های سوداگری در اقتصاد، نظارت بر نحوه توزیع کالاها به ویژه کالاهای اساسی و ضروری، اتخاذ راهبرد انقباض بودجه و مدیریت هزینه در کشور با اولویت گذاری ها، کاهش مصرف گرایی و به تعویق انداختن پروژه های ناتمام با اولویت های نگرش مثبت به کسب و کار، ترجیح کسب و کارهای مولد نوآورانه جهت بهبود فضای کسب و کار و ایجاد محیط رقابتی با جلب مشارکت های مردمی و انحصار زدایی، کاهش آمار بیکاری و خشکاندن ریشه های فقر و آسیب های اجتماعی ناشی از بیکاری در جامعه، فعال سازی سیستم های حمایتی پولی و مالی و بیمه های بخش تولید برای تحرک در اقتصاد داخلی و نیز حمایت از صادرات کالاهای غیرنفتی، افزایش واردات دانش فنی، خطوط تولید و ماشین آلات در ازای کاهش واردات کالاهای مصرفی با توجه به اهمیت این نوع معاملات در عصر اطلاعات همزمان با تولید علم و تولید دانش فنی و حمایت از شرکت های دانش بنیان، تداوم سیاست های مربوط به خودکفایی کالاهای اساسی، یا حداقل ترتیباتی برای یک اقتصاد ترکیبی مقاومتی در این باره و با توجه به فقدان طبیعی استعداد کشور برای خودکفایی کامل، نوع همسازی با دیگر کشورها و کانون های اقتصادی دنیا باید در راستای اهداف استراتژیک کشور شکل گیرد. توجه به معضل تورم و برقراری یک نظام قابل پیش بینی و قابل مدیریت درقبال شاخص تورم و تطبیق آن با سطح حقوق و دستمزدها و حذف تفاوت دریافتی ها به طور عام و متناسب با نوع کار در حد منطقی و قانونی بدون هیچ بند و تبصره ای، نیز پیش بینی قیمت ارز در پیشگیری سیاست های بهینه در این فرآیند تبدیل تهدیدها به فرصت ها در روند تامین کالاها به این معنا که به محض اعمال تحریم در برخی از کالاها، شکل دهی به عزم ملی درحوزه فناوری و صنعت و تجارت برای ایجاد خود کفایی کامل یا حداقل خود اتکایی در تولید و تامین این اقلام برقراری ارتباطات خاص اقتصادی با برخی از کشورهای دوست، گسترش ارتباطات اقتصادی با کشورها و بلوک های منطقه ای و گسترش شرکای تجاری از یک شریک عمده به چند شریک کوچکتر شکل گیری روحیه جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمیت ایرانی. ضمن آنکه برای تقویت اقتصادی ملی، دیپلماسی اقتصاد مقاومتی نیز لازم است. هدف از این نوع دیپلماسی تبیین دستاوردهای اقتصاد مقاومتی در مقابل فشارهای وارده است. فشارها در مورد کالای مصرفی و شاخص های روزمره اقتصادی وارد می شود. ولی دستاوردهای پایدار کشور، دستاوردهایی استراتژیک و بلندمدت هستند، همچون خودکفایی در تکنولوژی ها و فناوری های برتر (هسته ای)، استقلال در سیاست خارجی و غیره. خودداری از اسراف و ضایع کردن کالاها و ذخیره سازی کالاهای اساسی در ابعاد حجیم توسط دولت و انبارهای کوچک و هدایت شده و هوشمند توسط مردم (مانند کشور سوئیس) حتی در زمان صلح و آرامش جهت تامین امنیت غذایی مردم. کوشش شود تا فراآوری (تولید) در کشور گسترش یابد و هر گاه این روند در کشور از کنش باز ایستاد؛ خاموش ننشست که زمینه مرگ فراآوری ملی را فراهم شود. از فرآورده های ایرانی خریداری و استفاده گردد.

راهکاری بر مدیریت مصرف در کوتاه مدت

مصرف نامتعادل خانوار، نبود مکانیسمی برای جذب سرمایه های خرد آن هاست. دهک های متوسط جامعه اغلب سرمایه های خردی در دست دارند که به واسطه ی عدم جذب در بازارهای مالی، در نهایت به مسافرت های بی دریبی و پرهزینه، تعویض های مکرر لوازم خانگی و غیره ختم می شود. بنابراین اولین راهبرد کوتاه مدت در زمینه ی مدیریت مصرف، ایجاد مکانیسم جذب سرمایه های خرد توسط بازار (به ویژه بازارهای مالی) است. در برابر از ارزش افتادن پول ملی پایداری شود تا به مرز ارزش واقعی و بازگشت اعتبار ملی منجر شود. برای پایبندی به پاراسایی، منش کهن ایرانی و پرهیز از اسراف تا رسیدن به رفاه همگانی در میان ایرانیان به ویژه در کانون خانواده و خانواده های ایرانی هر روز، بیش از پیش آن را در میان خود گسترش یابد. جهت دهی به مدگرایی در بین جوانان، زیرا مسئله پیروی از مد در عصر کنونی، اگر قابل مهار نباشد، بی شک قابل هدایت است.

اگر تولیدکنندگان داخل بتوانند با برندسازی، افزایش تنوع و کیفیت محصول و غیره وارد بازار مد شوند، نه تنها با استقبال خانوارها، به رشد درآمد ملی کمک می کنند، بلکه وابستگی کنونی به واردات کالاهای مصرفی کاهش خواهد یافت. در دراز مدت، تقویت و توسعه همبستگی درونی، کاهش تنش های اجتماعی، کاهش تفاوت های درآمدی بین طبقات اجتماع، تحقق عدالت اجتماعی و برابری، دخالت آگاهانه دولت در جهت دهی و کارآمد نمودن تصمیمات، منع مبادله آزاد سرمایه، ایجاد اقتصاد تولیدی پایدار و نه اقتصاد مصرفی، قربانی نمودن خواسته های زودگذر و آنی مصرف کنندگان در مقابل اهداف بلند مدت توسعه است. مبارزه بی وقفه و هدفمند با فساد به ویژه در رده های مسئولان و مدیران در بوجود آوردن دولت عاری از فساد، جانشینی تولیدات خارجی با محصولات داخلی، جایگزینی تعاونی خالص با رقابت سالم و استراتژی، حمایت عام از تمام صنایع بخصوص صنایع استراتژیک و نیز کشاورزی به جای پیروی از مزیت نسبی و حذف تعرفه های مدل ناهمگون تجارت، گسترش فن آوری و تحقیق و توسعه، ارائه مشوق های صادراتی، مالی و بودجه ای و موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای بر واردات، هدف گذاری صنعتی ارتقای ساختار صنعتی را می توان پی گرفت.

نتیجه

اقتصاد مقاومتی در شرایط ضرورت با یک عزم واراده ملی و فراگیر زمینه رشد و توسعه کشور را فراهم می کند. نقش خانواده ها به عنوان هسته اصلی نظام اجتماعی و به ویژه بانوان در اجرایی شدن آن بسیار حائز اهمیت می باشد. در صورت نهادینه شدن این ارکان اثرات مثبت مانند کاهش وابستگی ها، مقابله با تحریم های اقتصادی، ایجاد اشتغال، ایجاد خلاقیت و نوآوری و وحدت کاری در سطح جامعه رو به رشد خواهد شد. زنان شاغل با داشتن دیدی خلاق و برخوردار از مهارت های بالا به عنوان فعال اقتصادی و عامل اصلی تربیت فرزندان، نقش مهمی در چرخه اقتصادی خانواده و جامعه بر عهده دارند. زنان می توانند با تجدیدنظر درعرصه اقتصاد خانواده و کم کردن هزینه ها، افزایش بهره وری و کنترل مصرف، اقتصاد خانواده را بهبود بخشند، که این روند روز به روز به همت زنان فرهیخته رشد دارد. رایج ترین نوع اشتغال برای زنان در جامعه کارمندی در بخش دولتی است، زیرا وضعیت تحصیل زنان ارتقا یافته و مردان ترجیح می دهند به بخش خصوصی بروند که پرسودتر است.

گرچه زنان در بخش خصوصی، هتل، رستوران و بخش های تجاری حضور کمی دارند. در نتیجه، زنان در اقتصاد غیررسمی غالب هستند، جایی که مشاغل اغلب موقتی و درآمد هم کم است. علاوه بر این، سیستم های مالیاتی و برنامه های رفاه اجتماعی در کشور به شیوه هایی طراحی و اجرا شود که زنان را از کار باز ندارد، و به کار های دست فروشی و یا خرده فروشی سوق ندهد. اگر قراردادهای کاری تمام وقت و پاره وقت کاهش یابد، و زنان به صورت یکسان از امور خدماتی در انجام کارها بهره مند شوند، رونق اقتصادی شکل بهتری درمیان خانواده ها صورت پیدا می کند و دسترنج و دست کارهای زنان در جامعه نمودار می گردد. سد مشارکت زنان در نیروی کار سامان دهی شود، به این وجه که زنان در مدیریت کارهای فرهنگی و هنری زنانه خودشان تصمیم گیرنده و مجری شوند؛ آنگاه که بدانند حفظ اموال و حقوقشان صورت قانونی دارد، دلگرم به کار بهتر می شوند. اثرات اقتصادی نابرابری جنسیتی و عدم همکاری با یکدیگر را که وجود داشته، برای توانا ساختن و کمک به زنان برای افزایش رشد اقتصادی و رفاه انجام شود. مشوق ها را زیاد کردن، اراده کار در زنان را بالا می برد. تولید خانگی را در نزدیکی تولید صنعتی که باعث تسلط نیروی کار مردان بر زنان گشت، ادامه ندهند و امپراتوری کارخانه های صنعتی را به رونق یکسان تعادل کار زنان و مردان در نظر و برنامه ها بسنجند. زنان بایستی در فضای اشتغال دید بلندمدت استراتژیک پیدا کنند و پتانسیل و ظرفیت در اقتصاد کشور شناخته شود و زنان و اشتغال آنها در حوزه های خاص در اولویت قرار گیرد، آنگاه اشتغال زنان در اقتصاد مقاومتی

درحوزه خود معنا پیدا می کند. خلق دانش، از وجه های هنری زنان شده است. اختراعات و ابداعات یا حتی جوایز نشان می دهد که زنان در این مرحله حضور پررنگی دارند. نرخ بیکاری زنان فارغ التحصیل بالا است؛ یعنی در حوزه کاربرد دانش نه تنها اقتصاد نمی تواند از نیروی متخصص استفاده کند، بلکه حتی نتوانسته است حلقه های دوم و چهارم اقتصاد

دانش بنیان؛ یعنی تحصیل و کاربرد دانش را به هم مرتبط کند، برای نمونه، با یاری زنان کشور می توان بزرگترین صادرکننده مد اسلامی شد. زنان کشور می توانند مد اسلامی را در کشورهای دنیا تعیین تکلیف کنند، و برند یک اقتصاد بسیار تأثیرگذار زنانه در عرصه های ملی و بین المللی باشند، اگر این ظرفیت شناخته و ارزش داده شود.

منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم / اعراف/ ۹
- [۲] ----- وصیت نامه سیاسی- الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹
- [۳] ثعالبی، ا.، . غررالسیر ، دار الفکر، بیروت - لبنان
- [۴] سعادت ، م. . مقاله نقش زن ایرانی در اقتصاد ملی، ، آبان ۱۳۹۱
- [۵] فصلنامه تحلیلی سیاسی اجتماعی طنین اندیشه، شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۰
- [۶] قادری ، ج. . مولفه های اقتصاد مقاومتی، برگرفته ازسایت برهان، ۱۳۹۱

